

# مبانی فقهی مجازات تکرار جرم

## در جرایم مستوجب حد

○ حجت الله فتویٰ \*

چکیده

تکرار جرم از نظر شریعت اسلام و حقوق موضوعه موجب تشدید کیفر می گردد. در این مقاله، ضمن گزارشی از مجازات تکرار جرم در جرایم مستوجب حد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و تغییرات آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دیدگاه های فقها در باره مجازات تکرار جرایم مستوجب حد و مبانی فقهی آن، بررسی شده است. کلید واژگان: تکرار جرم، حد، مجازات، قانون مجازات اسلامی.

مقدمه

یکی از ویژگی های حقوق اسلام این است که تکرار جرم در صورت تخلل مجازات، موجب تشدید مجازات مرتکب می گردد؛ یعنی هرگاه کسی مرتکب یکی از جرایم مستوجب حد شود و بعد از اقامه مجازات، دوباره مرتکب همان \*

استاد یار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جرم شود و مجازات او نیز تکرار گردد، در مرتبه سوم یا چهارم، مجازات او تشدید می شود و شخص، محکوم به اعدام می گردد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز با عنایت به این امر، در ابواب مختلف حدود، مجازات تکرار جرایم مستوجب حد را بیان کرده بود. در قانون مذکور حکم تکرار حد زنا در ماده ۹۰،<sup>۱</sup> تکرار تفسیح در ماده ۱۲۲، تکرار مساحقه در ماده ۱۳۱،<sup>۳</sup> تکرار قذف در ماده ۱۵۷،<sup>۴</sup> تکرار شرب خمر در ماده ۱۷۹،<sup>۵</sup> و تکرار سرقت در ماده ۲۰۱،<sup>۶</sup> بیان شده بود.

همان گونه که ملاحظه می شود، مجازات تکرار همه جرایم موجب حد، به غیر از شرب خمر، در مرتبه چهارم اعدام است و در شرب خمر در مرتبه سوم موجب اعدام است. نکته درخور توجه این است که در برخی از جرایم مستوجب حد، مانند حد قوادی، حکم تکرار جرم نیامده است که موجب خلأ قانونی و ابهام می شود. نتیجه منطقی ذکر نکردن مجازات تکراری حد قوادی، این است که حد قوادی به هر مقدار که تکرار شود، موجب تشدید کیفر نمی شود. همچنین حکم تکرار جرم در محاربه، ذکر نشده است. ممکن است گفته شود یکی از

۱. ماده ۹۰ ق. م. ا مقرر می دارد: «هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم کشته می شود».
۲. ماده ۱۲۲ ق. م. ا مقرر می دارد: «اگر تفسیح و نظایر آن سه بار تکرار، و بعد از هر بار حد جاری شود، در مرتبه چهارم حد آن قتل است».
۳. ماده ۱۳۱ ق. م. ا مقرر می دارد: «هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد، در مرتبه چهارم حد آن قتل است».
۴. ماده ۱۵۷ ق. م. ا مقرر می دارد: «هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم کشته می شود».
۵. ماده ۱۷۹ ق. م. ا مقرر می دارد: «هرگاه کسی چند بار شرب مسکر کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود، در مرتبه سوم کشته می شود».
۶. ماده ۲۰۱ ق. م. ا مقرر می دارد: «... در مرتبه چهارم، اعدام؛ ولو سرقت در زندان باشد».

مجازات های محاربه قتل است و لذا ذکر نکردن آن مشکلی ایجاد نمی کند، اما این سخن تام نیست، چون تعیین قتل به عنوان مجازات محارب، الزامی نیست و در مرتبه چهارم و بالاتر از آن نیز دادگاه می تواند مجازاتی غیر از قتل، مانند تبعید را انتخاب کند، در حالی که بر مبنای قاعده تکرار، اعمال مجازات قتل در مرتبه سوم یا چهارم به حسب اختلاف در مینا الزامی است.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ این موضوع در قالب یک ماده بیان گردید و به طور کلی برای تکرار جرایم حدی، در مرتبه چهارم، اعدام معین شد و استثنائی نیز بر آن وارد نشده است. ماده ۱۳۶ این قانون مقرر می دارد: هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم، اعدام است.

#### گفتار اول: دیدگاه ها

اصل مسئله، یعنی تشدید مجازات در صورت تکرار جرم با تخیل حد، مورد اتفاق فقهاست؛ ولی در اینکه در چه مرحله ای مجازات تشدید می شود، نظر فقها مختلف است و پنج دیدگاه در این باره وجود دارد که عبارتند از: قتل در مرتبه سوم؛ قتل در مرتبه چهارم؛ قتل در مرتبه پنجم؛ قتل در مرتبه چهارم، مگر در حد شرب خمر؛ قتل در مرتبه سوم، مگر در حد زنا. پیش از ورود به بحث، توجه به این نکته ضروری است که در خصوص حد سرقت، بدون هیچ اختلافی سارق در مرتبه چهارم کشته می شود و مباحث اختلافی در دیگر حدود مطرح است.

#### دیدگاه اول: قتل در مرتبه سوم

برخی از فقها معتقدند هرگاه کسی بعد از ارتکاب جرم و اقامه مجازات، آن را

تکرار کند، در مرتبه سوم کشته می شود. ابن ادریس در این باره می فرماید: اولی نزد من آن است که مرتکب تفخیذ و زانی در مرتبه سوم کشته می شوند؛ به دلیل قول معصومین (ع) که فرمودند اصحاب کبائر در مرتبه سوم کشته می شوند و این قول مورد اجماع است.<sup>۷</sup>

ایشان در موارد دیگر مانند مجتمعان تحت ازار واحد،<sup>۸</sup> احد مساحقه،<sup>۹</sup> احد شرب خمر،<sup>۱۰</sup> احد قذف،<sup>۱۱</sup> افطار عمدی روزه ماه رمضان،<sup>۱۲</sup> نیز تکرار جرم را در مرتبه سوم موجب قتل می دانند. همان گونه که ملاحظه می شود، ابن ادریس بر این قول ادعای اجماع کرده است.

سید علی طباطبایی درباره حد زنا می فرماید: ... و اگر در هر بار حد زده شود، در مرتبه سوم کشته می شود، به دلیل موافقت با صدوقین؛<sup>۱۳</sup> و محقق حلی دلیل این قول را روایت صحیحی می داند که در آن آمده است: اصحاب کبائر در مرتبه سوم کشته می شوند...<sup>۱۴</sup> محقق نراقی می فرماید:

کسی که در ماه رمضان به عمد روزه بخورد، اگر آن را حلال می داند مرتد است و اگر روزه خواری را حلال نمی شمارد، به صلاح حدید حاکم تعزیر

۷. ابن ادریس حلی، السرائر، ج ۳، ص ۴۶۲.

۸. همان، ص ۴۶۷.

۹. همان.

۱۰. همان، ص ۴۷۷.

۱۱. همان، ص ۵۱۹.

۱۲. همان، ص ۵۳۲.

۱۳. منظور از صدوقین، محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی و علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی هستند.

۱۴. طباطبائی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۴۶۸.

می شود؛ پس اگر آن را تکرار کرد، دوباره تعزیر می شود و اگر برای بار سوم روزه خواری کرد، کشته می شود بنا بر قول مشهور میان اصحاب، همان طور که عده ای از فقها بر آن تصریح کردند.<sup>۱۵</sup>

چنان که ملاحظه می شود، برخی از فقها مانند ابن ادریس و محقق نراقی این حکم را به تعزیرات نیز گسترش دادند که خارج از بحث ماست.

#### دیدگاه دوم: قتل در مرتبه چهارم

شیخ طوسی در یکی از نظریاتش می فرماید: «کسی که سه بار حد زنا بر او اقامه شده است، در مرتبه چهارم کشته می شود...».<sup>۱۶</sup>

ایشان درباره حد شرب خمر نیز می فرماید: اگر شراب بنوشد و حد بخورد، سپس شراب بنوشد و حد بخورد، سپس شراب بنوشد و حد بخورد و برای مرتبه چهارم شراب بنوشد، به عقیده ما در مرتبه چهارم کشته می شود.<sup>۱۷</sup> از «قید عندنا» استفاده می شود که ایشان این امر را اجماعی می داند.

ابوصلاح حلبی نیز می فرماید:<sup>۱۸</sup> «هر گاه زانی سه بار حد زده شود، در مرتبه چهارم کشته می شود». ایشان در لواط نیز تکرار جرم را در مرتبه چهارم موجب اعدام می داند.<sup>۱۹</sup>

شهید اول می فرماید: «چهار مرتبه از مطالعات فقهی»

اگر نماز را ترك کند بدون آنکه این کار را حلال بشمارد، سه بار تعزیر

۱۵. نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۰، ص ۵۲۹.

۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۸، ص ۱۱.

۱۷. همان، ص ۵۹.

۱۸. ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۴۰۷.

۱۹. همان، ص ۴۰۹.

می شود و در مرتبه چهارم کشته می شود... به دلیل روایت معصومین (ع) که فرمودند: اصحاب کبائر در مرتبه چهارم کشته می شوند و این (حکم) در تمامی گناهان کبیره جاری است.<sup>۲۰</sup>

بسیاری دیگر از فقها مانند ابن برآج طرابلسی،<sup>۲۱</sup> طبرسی،<sup>۲۲</sup> ابن حمزه طوسی،<sup>۲۳</sup> و قطب الدین بیهقی کیدری<sup>۲۴</sup> همین دیدگاه را پذیرفته اند.<sup>۲۵</sup>

دیدگاه سوم: قتل در مرتبه پنجم

تنها معتقد به این حکم، شیخ طوسی در خلاف است که در باره حد زنا می فرماید:

هرگاه بر زانی حر بکر چهار بار حد جلد اقامه شود، در مرتبه پنجم کشته می شود و همین طور در حد قذف در مرتبه پنجم کشته می شود.<sup>۲۶</sup>

اما شیخ در همین کتاب، درباره مرتدی که توبه او پذیرفته می شود، قتل در مرتبه چهارم را می پذیرد. ایشان می فرماید: مرتدی که توبه داده می شود، هرگاه به اسلام برگردد و سپس کافر شود، بعد به اسلام برگردد و دوباره کافر شود، در مرتبه

۲۰. شهید اول، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، ص ۱۳۱.

۲۱. ابن برآج طرابلسی، المهذب، ج ۲، ص ۵۳۱.

۲۲. طبرسی، امین الاسلام فضل بن الحسن، المؤلف من المختلف بین ائمة السلف، ج ۲، ص ۴۲۳.

۲۳. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نیل الفضيلة؛ ص ۴۱۱.

۲۴. بیهقی کیدری، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، ص ۵۱۸.

۲۵. گفتنی است همه کسانی را که در حد زنا تکرار جرم را در مرتبه چهارم موجب حد قتل می دانند، نمی توان قائل به این حکم در سایر ابواب دانست؛ چون در حد زنا روایت خاص وجود دارد.

۲۶. شیخ طوسی محمد بن الحسن، الخلاف، ج ۵، ص ۴۰۸ و ر. ک: هو، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۷۰۶، ۷۰۸ و ۷۲۵.

چهارم کشته می شود و توبه داده نمی شود... دلیل ما اجماع امامیه بر این مطلب است که تمامی مرتکبان هنگامی که مجازات خود را تحمل کرده اند، در مرتبه چهارم، کشته می شوند و ارتداد هم تحت این عموم باقی است.<sup>۲۷</sup>

دیدگاه چهارم: قتل اصحاب کبائر در مرتبه چهارم، به غیر از شرب خمر محقق حلی و امام خمینی از طرفداران این دیدگاهند. محقق در شرایع الاسلام با بیان این مطلب در ابواب مختلف چنین می فرماید:

و اگر از انسان حد زنا تکرار شود و دوبار حد جلد بر او اقامه گردد، در مرتبه سوم کشته می شود. و گفته شده، در مرتبه چهارم کشته می شود، و این اولی است.<sup>۲۸</sup>

ایشان درباره حد تفخیز نیز می فرماید:

اگر تفخیز تکرار شود و دوبار حد جلد بر مرتکب اقامه شود در مرتبه سوم کشته می شود و گفته شده در مرتبه چهارم کشته می شود و این قول مناسب تر است.<sup>۲۹</sup>

در خصوص مساحقه نیز می فرماید:

و إذا تکررت المساحقة مع إقامة الحد ثلاثاً، قتلت في الرابعة.<sup>۳۰</sup>

درباره حد قذف نیز می فرماید:

۲۷. همان، ص ۵۰۴ و ۵۰۵.

۲۸. محقق حلی، شرائع الاسلام في مسائل الحلال والحرام، ج ۴، ص ۱۵۹؛ امام خمینی، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲۹. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۶۴؛ امام خمینی، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۴۲۳.

۳۰. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۶۴؛ امام خمینی، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۴۲۴.

إذا تكرّر الحد بتكرّر القذف مرتين قتل في الثالثة وقيل: في الرابعة وهو

أولى. ٣١

همچنین در خصوص حد سرقت می فرماید:

الرابع في الحد وهو قطع الاصابع الاربع من اليد اليمنى ... فإن سرق ثلاثة

حبس دائماً ولو سرق بعد ذلك قتل. ٣٢

اما در خصوص شرب خمر، ایشان تکرار جرم شرب خمر را در مرتبه سوم،

مستوجب حکم قتل می داند و می فرماید:

... وإذا حد مرتين قتل في الثالثة وهو المروي. ٣٣

دیدگاه پنجم: قتل اصحاب کبائر در مرتبه سوم، مگر در حد زنا و حد سرقت

صاحب مبانی تکملة المنهاج و صاحب أسس الحدود و التعزيرات، این قول

را پذیرفته اند:

صاحب مبانی تکملة المنهاج می فرماید:

اگر بر زانی سه بار حد جلد جاری شود، در مرتبه چهارم کشته می شود. ٣٤

ایشان در خصوص تفخیز می فرماید:

٣١. همو، شرائع الاسلام، ج ٤، ص ١٧٠. امام خمینی (ره) احتیاط واجب را قتل در مرتبه

چهارم می داند: تحرير الوسيله، ج ٢، ص ٤٢٨.

٣٢. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ٤، ص ١٨١؛ امام خمینی، تحرير الوسيله، ج ٢، ص ٤٤٠.

٣٣. محقق حلی، شرائع السلام، ج ٤، ص ١٧٤ و ر.ك: امام خمینی، تحرير الوسيله، ج ٢، ص ٤٣٢.

٣٤. موسوی خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ج ١، ص ٢٥٩؛ و ر.ك: میرزا جواد تبریزی، أسس الحدود و التعزيرات، ص ١٢٣.



اگر تفخیز و مانند آن تکرار گردد و دو بار حد زده شود، در مرتبه سوم کشته

می شود. ۳۵

درباره حد مساحقه نیز می فرماید:

اگر مساحقه تکرار شود، پس اگر بعد از هر مساحقه حد بر او جاری شده،

در مرتبه سوم کشته می شود. ۳۶

همچنین درباره حد قذف می فرماید:

هرگاه حد جلد به سبب تکرار قذف تکرار گردد، قاذف در مرتبه سوم کشته

می شود. ۳۷

ایشان همچنین درباره حد شرب مسکر می فرماید:

هرگاه کسی دو بار شرب خمر کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود، در

مرتبه سوم کشته می شود. ۳۸

در مورد حد سرقت، ایشان مانند سایر فقها قتل را در مرتبه چهارم واجب می داند

و می فرماید: چهار انگشت دست راست سارق قطع می شود... و اگر برای مرتبه سوم

سرقت کرد، به حبس دائم محکوم، و مخارج او از بیت المال تأمین می شود و اگر در

زندان سرقت کرد، بدون هیچ قول خلاف و اشکالی، کشته می شود. ۳۹

۳۵. موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۹۱؛ و.ر.ك: میرزا جواد تبریزی،

أسس الحدود و التعزیرات، ص ۱۹۹.

۳۶. موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۰۲ و.ر.ك: تبریزی، أسس الحدود و

التعزیرات، ص ۲۱۱.

۳۷. موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۱۷؛ و.ر.ك: میرزا جواد تبریزی،

أسس الحدود و التعزیرات، ص ۲۵۳.

۳۸. موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۳۳؛ و.ر.ك: میرزا جواد تبریزی،

أسس الحدود و التعزیرات، ص ۲۹۲.

۳۹. موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۶۹؛ و.ر.ك: میرزا جواد

تبریزی، أسس الحدود و التعزیرات، ص ۳۵۷.

گفتار دوم: بررسی ادله دیدگاه‌ها

مستند دیدگاه اول: قتل در مرتبه سوم

مستند قول اول، صحیح‌ه یونس از ابی الحسن الماضی، امام کاظم (ع) است. در روایتی از امام کاظم (ع) آمده است:

اصحاب کبائر هرگاه دو بار حد بر آنان جاری شود، در مرتبه سوم کشته می‌شوند.<sup>۴۰</sup>

این روایت عام است و شامل تمامی حدود می‌شود. لذا در همه حدود، مرتکب در مرتبه سوم کشته می‌شود، مگر آنکه دلیل خاص داشته باشیم. درباره حد سرقت، معتبره سماعه بن مهران بر این معنی دلالت دارد که سارق در مرتبه چهارم کشته می‌شود و لذا هیچ قول خلاف و اشکالی در حد سرقت وجود ندارد.<sup>۴۱</sup> در معتبره سماعه آمده است:

إذا أخذ السارق قطعت يده من وسط الكف فإن عاد قطعت رجله من وسط القدم فإن عاد استودع السجن فإن سرق في السجن قتل؛<sup>۴۲</sup>  
هرگاه سارق دستگیر شود، دست او از وسط کف بریده می‌شود و اگر برای بار دوم سرقت کند، پای او از برآمدگی روی پا قطع می‌شود و اگر دوباره سرقت کرد، زندانی می‌شود و اگر برای مرتبه چهارم در زندان سرقت کرد، کشته می‌شود.

چنان‌که برخی از فقها تصریح کرده‌اند، سرقت در زندان موضوعیت ندارد و از آن‌گاه خصوصیت شده است و این قید، قید غالبی است، چون سارقی که به

۴۰. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۸۸.

۴۱. موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۶۸.

۴۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۳.

حبس ابد محکوم شده است، فرض بر این است که در زندان مرتکب سرقت می شود، نه آنکه در بیرون زندان مرتکب سرقت شود.

مستند دیدگاه دوم: قتل در مرتبه چهارم

قائلان به این قول به چند دلیل استناد کرده اند.

۱. موثقه ابی بصیر، قال:

قال أبو عبدالله (ع): الزانی إذا زنی یجلد ثلاثاً و یقتل فی الرابعة یعنی جلد

ثلاث مرات؛ ۴۳

زانی هرگاه زنا کند، سه بار بر او حد جلد جاری می شود و در مرتبه چهارم

کشته می شود.

بر این روایت اشکال کرده اند که در طریق روایت اسحاق بن عمار است که فطحی مذهب است و ابابصیر نیز مشترك است و لذا روایت معتبر نیست؛ ولی به این اشکال پاسخ داده اند که اولاً اصحاب از این روایت به موثقه تعبیر کرده اند که برای استدلال به روایت کافی است و بر فرض هم روایت ضعیف باشد، با عمل اصحاب جبران شده است. ۴۴ با فرض صحت سند روایت از نظر دلالت، این روایت دلالتی بر قتل در مرتبه چهارم در ابواب دیگر ندارد و فقط مثبت حکم در حد زناست.

دلیل دومی که به آن تمسک شده، این روایت است که «ان اصحاب الکبائر

یقتلون فی الرابعة»؛ شهید اول درباره تارك نماز می فرماید:

اگر کسی نماز را ترك کند بدون آنکه این کار را حلال بشمارد، سه بار تعزیر

می شود و در مرتبه چهارم کشته می شود؛ به دلیل روایتی که از معصومین

۴۳. همان، ص ۳۸۷.

۴۴. کلپایگانی، در المنضود، ج ۱، ص ۳۴۰.

(علیهم السلام) نقل شده که اصحاب کبائر در مرتبه چهارم کشته می شوند و

این روایت عام بوده و بر تمامی گناهان کبیره صدق می کند. ۴۵

اما مشکلی که وجود دارد این است که چنین روایتی در کتب اربعه و منابع روایی دیگر یافت نمی شود و از میان صاحبان کتب اربعه، فقط شیخ طوسی دو بار در مبسوط این روایت را ذکر می کند،<sup>۴۶</sup> ولی چون مبسوط کتاب روایی نیست و روایت نیز به نحو ارسال در مبسوط آمده است و منجر به عمل اصحاب نیز نشده، از این حیث چندان درخور اعتماد نیست و تاب مقاومت در مقابل روایات معتبری که بیان می دارند اصحاب کبائر در مرتبه سوم کشته می شوند، ندارد.

سومین دلیلی که در برخی از ابواب حدود، مانند حد تفخیذ و مساحقه به آن تمسک کرده اند، الغای خصوصیت از موثقه ای بصیر و ادعای یکسانی بین حد زنا و حدود یاد شده است. صاحب جامع المدارک در باره حد تفخیذ می فرماید:

اما در صورت تکرار تفخیذ با اقامه حد، نظر مشهور بر قتل در مرتبه چهارم است، به این دلیل که فرقی بین تفخیذ کننده و زانی وجود ندارد و بر این استدلال اشکال شده که این دلیل قیاس مع الفارق است. ۴۷

صاحب مبانی تکملة المنهاج در این باره می فرماید:

لو تكرر التفخيز ونحوه و حد مرتين قتل في الثالثة خلافاً للمشهور بين الأصحاب من أنه يقتل في الرابعة بل ادعي عليه الاجماع كما عن الغنية بدعوى أنه لا فرق بينه وبين الزنى في ذلك وفيه لوجه لذلك فان حمل المقام على الزنا قیاس مع الفارق ... ۴۸

۴۵. شهید اول، ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة، ص ۱۳۱.

۴۶. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، المبسوط في فقه الاماميه، ج ۱، ص ۱۲۹ و ج ۷، ص ۲۸۴.

۴۷. سید احمد خوانساری، جامع المدارک في شرح المختصر النافع، ج ۷، ص ۷۷.

۴۸. موسوی خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۶۱.

همان طور که از عبارات مذکور پیداست، الغای خصوصیت از موثقه ابی بصیر و تسری حکم به ابواب دیگر وجهی ندارد و قیاس مع الفارق است.

از ادله دیگری که برای این قول می توان به آن استناد کرد، احتیاط و قاعده درء و تخفیف در حدود است.<sup>۴۹</sup> ولی به نظر می رسد با وجود روایت صحیحه دال بر قتل اصحاب کبائر در مرتبه سوم، نوبت به احتیاط نمی رسد و شاید این احتیاط، خود بر خلاف احتیاط باشد. صاحب الدر المنضود در این باره می فرماید:

هذا مضافاً إلى أن التأخير إلى الرابعة - من باب الاحتیاط - إذا كان المعتمر بحسب الواقع قتله في الثالثة يؤدي إلى خلاف الاحتیاط ... فالظاهر أنه لا وجه لهذا الاحتیاط.<sup>۵۰</sup>

همچنین با وجود روایات معتبر، محلی برای شبهه و قاعده درء باقی نمی ماند.

#### مستند دیدگاه سوم: قتل در مرتبه پنجم

دیدگاه سوم، یعنی قتل در مرتبه پنجم، از ضعیف ترین دیدگاه ها است و هیچ مستندی ندارد؛ حتی خود شیخ نیز در کتب دیگر چنین سخنی را نگفته است و لذا صاحب ریاض می فرماید: اما قول شیخ طوسی مبنی بر قتل در مرتبه پنجم آن گونه که از کتاب خلاف شیخ نقل می شود، شاذ است و مستند روشنی نداشته و مخالف با اجماع است. صاحب در المنضود نیز می فرماید: و هو أغرب الأقوال ... و هذا القول مرمي بالشذوذ والندرة...<sup>۵۱</sup> و لذا بحث اصلی در بحث دیگر دیدگاه هاست.

۴۹. محقق اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۳، ص ۸۸.

۵۰. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، در المنضود، ج ۱، ص ۳۴۱.

۵۱. همان، ص ۳۳۹.

مستند دیدگاه چهارم: قتل اصحاب کبائر در مرتبه چهارم به غیر از شرب خمر  
 ادله قول چهارم با قول دوم مشترك است، جز اینکه قائلان این قول، معتقدند  
 به دلیل خاص، شارب خمر در مرتبه سوم کشته می شود. صاحب شرایع که از  
 طرفداران این قول است، می فرماید:

هرگاه شارب خمر دو بار حد زده شود، در مرتبه سوم کشته می شود و در

این خصوص روایت وارد شده است. ۵۲

صاحب جواهر درباره شارب خمر می فرماید:

هرگاه شارب خمر دوبار حد زده شود در مرتبه سوم کشته می شود، به دلیل

موافقت با مشهور که شهرت عظیمی در مسئله وجود دارد، بلکه غنیه ادعای

اجماع بر این مطلب کرده و به دلیل روایات فراوانی از صحیح گرفته تا

ناصحیح که به حد استفاضه رسیده، بلکه از حد استفاضه نیز گذشته است.

در روایت صحیح آمده است: هر کس شرب خمر کرد بر او تازیانه بزنید پس

اگر تکرار کرد، دوباره او را تازیانه بزنید؛ و اگر در مرتبه سوم تکرار کرد، او

را بکشید. این روایات و نظر مشهور همچنین با احادیث صحیحی که بر قتل

اصحاب کبائر در مرتبه سوم دلالت دارد، تأیید می گردد. ۵۳

بنابراین، حکم قتل شارب خمر در مرتبه سوم، به دلیل نصوص خاص، از

جمله صحیح سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) که می گوید: «قال رسول

الله (ص): من شرب الخمر فاجلدوه، فإن عاد الثالثة فاقتلوه»، ۵۴ و صحیح

۵۲. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۱۷۴.

۵۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۶۱.

۵۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۷۶.

ابی عبیده،<sup>۵۵</sup> و معتبره ابی بصیر،<sup>۵۶</sup> و به دلیل شهرت عظیمی که دارد، استثنا شده است.

این حکم در خصوص شرب خمر صحیح است، ولی همان طور که گذشت، عموم حکم قتل اصحاب کبائر در مرتبه چهارم مستندی ندارد و از ادله کافی برخوردار نیست.

مستند دیدگاه پنجم: قتل در مرتبه سوم، مگر در حد زنا و سرقت

مستند این قول، صحیحه یونس بن عبد الرحمن از ابی الحسن الماضی، امام کاظم (ع) است که می فرماید:

اصحاب الكبائر كلها إذا أقيم عليهم الحد مرتين قتلوا في الثالثة؛<sup>۵۷</sup>

تمامی اصحاب کبائر هرگاه دو بار بر آنان حد جاری شود، در مرتبه سوم کشته می شوند.

این روایت عام است و شامل تمامی حدود می گردد، ولی چون در خصوص حد سرقت و حد زنا دلیل خاص داریم، مرتکب در مرتبه چهارم کشته می شود.

دلیل خاص در خصوص حد زنا، موثقه ابی بصیر است که امام صادق (ع)

فرمود:

الزاني إذا زنى يجلد ثلاثاً و يقتل في الرابعة...؛<sup>۵۸</sup>

زانی هرگاه زنا کند و سه بار حد جلد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم کشته می شود...

۵۵. همان.

۵۶. همان، ص ۴۷۷.

۵۷. همان، ص ۳۸۸.

۵۸. همان، ص ۳۸۷.

دلیل خاص در خصوص حد سرقت نیز موثقه سماعة بن مهران است:

قال: إذا أخذ السارق قطعت يده من وسط الكف فإن عاد قطعت رجله من

وسط القدم فإن عاد استودع السجن فإن سرق في السجن قتل.<sup>۵۹</sup>

و چنان که گذشت، روایت قتل اصحاب کبائر در مرتبه چهارم در منابع روایی نقل نشده و قابل استناد نیست. بنابراین در تمامی کبائر، در صورت تکرار جرم و اقامه حد، مرتکب در مرتبه سوم کشته می شود، مگر در حد زنا و حد سرقت که مرتکب در مرتبه چهارم کشته می شود.

نکته پایانی موضوع تکرار جرم قوادی است.

در خصوص حکم تکرار قوادی با تخیل حد، بسیاری از متون فقهی متعرض این بحث نشده اند و برخی از فقها نیز در مسئله فتوا نداده و توقف کرده اند؛ مثلاً علامه حلی در مختلف، در ذیل بحث می فرماید: ابی صلاح حلی می فرماید: اگر قواد در مرتبه دوم مرتکب قوادی شد، حد جلد بر او جاری می شود و تبعید می گردد؛ پس اگر در مرتبه سوم مرتکب شد به وی، تازیانه زده می شود و اگر برای بار چهارم مرتکب شد، توبه داده می شود؛ پس اگر توبه کرد، توبه او پذیرفته می شود و حد جلد بر او اقامه می گردد و اگر توبه نکرد کشته می شود. پس اگر بعد از توبه برای بار پنجم مرتکب قوادی شد، در هر صورت کشته می شود و ما در این مسئله از متوقفین هستیم.<sup>۶۰</sup> ولی در بسیاری از متون فقهی بر این امر تصریح شده است که حکم قتل در مرتبه سوم یا چهارم جاری است و ادله تکرار جرایم مستوجب حد، مطلق بوده و شامل قوادی نیز می گردد و در خصوص قوادی دلیل خاص وارد نشده است.

۵۹. همان، ص ۴۹۱.

۶۰. علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۲۰۲.



صاحب جواهر بعد از نقل کلام ابن زهره، ابوصلاح حلبی و علامه حلی می فرماید:

بلکه سزاوار است عمل کردن به احادیثی که بر قتل اصحاب کبائر در مرتبه سوم یا چهارم بعد از تخیل حد، دلالت می کند.<sup>۶۱</sup>

آیت الله العظمی گلپایگانی در این باره می فرماید:

حد قیادت بعد از ثبوت سه ربع حد زناست که ۷۵ تازیانه باشد و اگر بعد از اجرای حد، عمل تکرار شود ثانیاً حدش ۷۵ تازیانه است و اگر بعد از حد ثانی عمل تکرار شود، بعضی حکم به قتل نموده اند، لکن احتیاط ترك قتل است، بلکه باز ۷۵ تازیانه حد دارد و اگر بعد از آن، بار چهارم تکرار شد حد آن قتل است و این قدر متیقن از حد قتل می باشد.<sup>۶۲</sup>

صاحب فقه الحدود و التعزیرات نیز بعد از نقل کلام ابن زهره می فرماید:

«ظاهر عمل به روایاتی است که بر قتل اصحاب کبائر در مرتبه سوم دلالت دارد».<sup>۶۳</sup>

صاحب الفقه نیز می فرماید:

بر خلاف کلام ابن زهره، ظاهر این است که هرگاه قواد سه بار یا چهار بار قواد را تکرار کند کشته می شود؛ همان طور که در سایر گناهان کبیره مطرح است.<sup>۶۴</sup>

بنابراین درباره قواد دلایل خاص وارد نشده است و بر اساس مبنایی که مختار تحقیق است، قواد در صورت تکرار قواد و جاری شدن حد بر وی، در مرتبه

۶۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۰۱.

۶۲. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، ج ۳، ص ۱۹۳.

۶۳. موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ص ۴۴۴.

۶۴. حسینی شیرازی، کتاب الفقه، ج ۸۷، ص ۳۱۹.

سوم کشته می شود. از نظر اجتهادی، دیدگاه پنجم قوی تر به نظر می رسد، اما قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ دیدگاه چهارم را پذیرفت که موافق با دیدگاه عده زیادی از فقهاست و بنا بر نظر برخی از فقها موافق با احتیاط است.<sup>۶۵</sup>

#### منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد بن ادریس، السرائر، ج ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ هـ. ق.
  ۲. ابن برآج طرابلسی، عبدالعزیز، المهدب، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ هـ. ق.
  ۳. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، الکافی فی الفقه، تحقیق: رضا استادی، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (ع) العامة، ۱۴۰۳ هـ. ق.
  ۴. امام خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ هـ. ش.
  ۵. بیهقی کیدری، قطب الدین، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، تحقیق: ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، اول، ۱۴۱۶ هـ. ق.
  ۶. تبریزی، میرزا جواد، اسس الحدود و التعزیرات، قم، چاپخانه مهر، اول، ۱۴۱۷ هـ. ق.
  ۷. حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، تحقیق: ربانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۳ هـ. ق.
  ۸. حسینی شیرازی، سید محمد، کتاب الفقه، ج ۸۷، بیروت، دارالعلوم
- 
۶۵. شهید ثانی، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذغان، ج ۲، ص ۹۴۵؛ عاملی، سید محمد بن علی، مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۹.

- للتحقيق والطباعة، ١٩٨٠ م.
- ٩ . خوانسارى، سيد احمد، جامع المدارك في شرح المختصر النافع، ج٧، تهران، مكتبة الصدوق، دوم، ١٣٥٥ هـ. ش.
- ١٠ . شهيد اول، ابى عبدالله محمد بن مكى عاملى، الذكرى الشيعة في احكام الشريعة، چاپ سنگى، منشورات مكتبة بصيرتى، بى تا.
- ١١ . شهيد ثانى، زين الدين بن علي العاملى، روض الجنان فى شرح إرشاد الأذهان، ج٢، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم، اول، ١٤٢٢ هـ. ق، ١٣٨٠ هـ. ش.
- ١٢ . طباطبائى، سيد على، رياض المسائل، ج٢، قم، مؤسسه نشر اسلامى، اول، ١٤١٢ هـ. ق.
- ١٣ . طبرسى، امين الإسلام فضل بن الحسن، المؤلف من المختلف بين أئمة السلف، ج٢، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، اول، ١٤١٠ هـ. ق.
- ١٤ . طوسى، محمد بن الحسن، الخلاف، ج٥، قم، مؤسسه نشر اسلامى، اول، ١٤١٤ هـ. ق.
- ١٥ . \_\_\_\_\_، المبسوط في فقه الاماميه، ج٨ و ٧، تحقيق: محمداقر بهبودى، المكتبة المرتضوية لآحياء الآثار الجعفريه، ١٣٨٨ هـ. ق.
- ١٦ . \_\_\_\_\_، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، قم، انتشارات قدس محمدي، بى تا.
- ١٧ . طوسى (ابن حمزه)، ابى جعفر محمد بن على بن حمزه، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى (ره)، اول، ١٤٠٨ هـ. ق.
- ١٨ . عاملى، سيد محمد بن على، مدارك الاحكام في شرح شرائع الاسلام، ج٤، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، اول، ١٤١٠ هـ. ق.
- ١٩ . علامه حلى، ابى منصور الحسن بن يوسف بن مطهر اسدى، مختلف الشيعة

- في احكام الشريعة، ج ٩، قم، مؤسسه نشر اسلامي، اول، ١٤١٨ هـ. ق.
٢٠. موسى گلپايگانی، سيد محمد رضا، در المنضود، ج ١، قم، دار القرآن الكريم، اول، ١٤١٣ هـ. ق.
٢١. ———، مجمع المسائل، ج ٣، قم، دارالقرآن الكريم، اول، بي تا.
٢٢. محقق حلي، جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام في مسائل الحلال والحرام، ج ٤، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٩ هـ. ق.
٢٣. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، ج ١٣، با تحقيق: مجتبی عراقی، شيخ على پناه اشتهاړدی، حسين يزدي، قم، مؤسسه نشر اسلامي، اول، ١٤١٦ هـ. ق.
٢٤. موسى اردبيلي، سيد عبد الكريم، فقه الحدود والتعزيرات، مؤسسة النشر لجامعة المفيد رحمه الله، قم، دوم، ١٤٢٧ هـ. ق.
٢٥. موسى خويي، سيد ابوالقاسم، مباني تكملة المنهاج، ج ١، تحقيق: سيد محمد تقی خويي، نجف اشرف، مطبعة الآداب، انتشارات لطفی، بي تا.
٢٦. نجفی، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٤١، تحقيق: قوچانی، تهران، دار الكتب الاسلامية، ششم، ١٣٦٦.
٢٧. نراقی، احمد بن محمد مهدي، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ج ١٠، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ١٤١٩ هـ. ق.